

چشم‌انداز مدیریت دولتی

شماره ۵- بهار ۱۳۹۰

صص ۳۲-۹

## مبانی و بسترهای تفکر و تعقل خلاق از دیدگاه اسلام

ولی‌اله نقی پورفر\*

### چکیده

تفکر و تعقل ارزشمند و خلاق در اسلام، اساس ایمان و موجب سعادت ابدی است؛ از این رو شکل‌گیری و استمرار این تفکر و تعقل از مبانی و بسترهای فردی، خانوادگی، اجتماعی و حکومتی برخوردار است که در این مقاله، عمدتاً، به دو محور فردی و خانوادگی پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: مبانی، تفکر، ارزشمند، خلاق، اسلام.

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۴/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۹/۵.

\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

Email: V- Naghipoor@qom.ac.ir

### مقدمه

تفکر و تعقل، اساس دینان در اسلام است؛ از این رو در آیات و روایات، رهنمودهای بسیاری در ضرورت و ویژگی‌ها و مبانی تفکر و تعقل آمده است. مقصود از تفکر ارزشمند، تفکر صحیح مبتنی بر اصول و ضوابط منطقی شکل استدلال و معیارهای وحیانی و عقلی معتبر مواد استدلال است. تفکر خلاق، ناظر بر نوآوری در شکل استدلال، مواد استدلال و نتایج استدلال است؛ و تعقل خلاق ناظر به نوآوری در مدیریت تفکر است. این مقاله به بررسی مبانی و بسترهای تفکر و تعقل ارزشمند و خلاق از دیدگاه اسلام می‌پردازد.

### تفکر و تعقل در لغت و تفسیر

#### تفکر

فکر، قوه کوبنده باب علم به مجهول از طریق معلوم است و تفکر، جولان آن قوه به حسب نظر عقل است؛ بعضی از ادباء معنی مشترکی میان فکر و فرک (زیر و رو کردن و مالش دادن) قائل اند از این رو، تفکر را تجربه و زیر و رو کردن امور، جهت رسیدن به حقیقت آن می‌دانند [۱۱].

مظفر [۲۴]، فکر را بکارگیری تلاش عقلی در دانش‌های حاضر برای رسیدن به مطلوب (دانش به مجهول)، تعریف می‌کند.

مصطفوی [۲۳]، تفکر را تکاپوی قلب با توجه به مقدمات و دلائلی می‌داند که به شناخت مجهول مطلوب منجر می‌شود؛ ابوهلال عسکری، طبرسی و مکارم نیز، تعریفی مشابه آن، ارائه کرده‌اند [۱۷، ۱۶، ۲۵].

علامه طباطبایی فکر را گونه خاصی از سیر و حرکت در میان معلومات موجود حاضر، جهت معرفت به مجهولات مرتبط به آن می‌داند [۱۵].

در تعریف پژوهش‌گران، تفکر، کارکرد عقل و قلب در حل مسئله معرفی شده است؛ توضیح این مطلب، در مبحث رابطه تفکر و تعقل می‌آید.

مبحث یادشده بیانگر این است که تفکر، فرایند تلاش برای کشف راه‌های رسیدن به هدف است.

#### تعقل

اصل عقل به معنی حبس و منع و باز داشتن و محکم بستن و گره زدن است [۱۹، ۵، ۱۱]. علامه طباطبایی، اصل معنی را گره زدن و محکم گرفتن می‌داند و در اصطلاح بر فهم و ادراک اطلاق می‌شود؛ از این نظر که در آن عقد قلبی به تصدیق مطلب نهفته است [۱۵].

صاحب التحقیق فی کلمات القرآن، اصل عقل را در ابتدا، تشخیص صلاح و فساد در امور مادی و معنوی و سپس، مهار نفس و حبس آن می داند که از لوازم آن، تدبیر و حسن فهم است [۲۳].

### اجزاء مفهوم عقل

عقل در مفهوم و کارکرد، بر تشخیص حق و باطل در اندیشه ها و تشخیص خیر و منفعت و ترجیح آن بر شر و ضرر در خصلت ها و عملکردها و کنترل و مهار نفس و منع آن از شورش و طغیان علیه تشخیص و ترجیح عقل و استقرار قلب بر امراضن مورد گزینش (تحقق یقین ملازم ایمان) و عزم بر بسیج قوای درون و برون جهت تحقق امر احسن گزینش شده، دلالت می کند. با توجه به منابع لغت، معلوم می شود:

تشخیص حق و خیر و منفعت، جزء ابتدائی مفهوم عقل، و ترجیح حق بر باطل و خیر بر شر و منفعت بر ضرر، جزء دوم و مهار نفس و عزم بر تحقق جزء اخیر و مورد تأکید معنی عقل، و تحقق ایمان و خلق حسن و عمل صالح، نتیجه طبیعی آن است.

پس تشخیص، ترجیح، تصدیق و یا تصمیم (مهار و عزم)، سه جزء معنی عقل می باشند که کارکرد جامع عقل را تذکر می دهند.

### تأکید بر یکی از سه جزء معنی عقل

#### تأکید بر تشخیص حق و خیر و منفعت

«لقد أنزلنا إليك كتاباً فيه ذكركم أفلا تعقلون» (انبیاء/۱۰)

در این آیه شریفه تشخیص شأن قرآن که موجب بیداری و عزت و شرافت مسلمانان است مورد تأکید است [۲۵]، اگرچه ترجیح و تصمیم به التزام به مفاد آن نیز مطرح است. در احادیث نیز، آمده است:

«كفاك من عقلك ما اوضح لك سبل غيبك من رشدك» [۲]

"از کارکرد عقل برای تو همین بس است که راه انحطاط تو را از راه رشد و تعالی ات متمایز گرداند"

«مثل العقل في القلب كمثل السراج في وسط البيت» [۲۲]

تشبیه عقل، به چراغ، شأن تشخیص و تمییز را تأکید می کند.

#### تأکید بر ترجیح حق و خیر و منفعت

ترجیح خیر آخرت بر دنیای فانی در شرائط تعارض برای اهل تقوی، شرط عقل است:

«ولدار الآخرة خير للذين اتقوا أفلا تعقلون» (یوسف/۱۰۹)

تعقل مستقل، نیازمند پیشینه علمی مناسب، پیرامون موضوع مورد تعقل است:

«وتلك الأمثال نضربها للناس وما يعقلها إلا العالمون» (عنکبوت/۴۳)

### تأکید بر کنترل نفس و تبعیت از حق

در سوره فرقان، در تبیین کارکرد عقل آمده است :  
 «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا ، ام تحسبُ أنْ أكثرهم يسمعون أو يعقلون  
 ان هم إلا كالأنعام بل هم أضل سبيلا» (فرقان / ۴۳-۴۴)  
 تشبیه هوا پرستان فاقد تعقل ، به چهار پایان تابع و اسیر غرائز ، شأن عقل را در کنترل و مهار  
 نفس و تبعیت از مقتضای حق را تذکر می دهد [ ۱۵ ].  
 در احادیث نیز آمده است : در زمینه تبعیت از هوای نفس ، تعقلی در کار نخواهد بود [ ۳ ] : " و لا  
 عقل مع هوی "

از این رو ، فرمان به مبارزه با امیال افسار گسیخته ، توسط عقل مورد تأکید است  
 " وقاتل هواك بعقلك " [ ۲ ]

و اساسا عاقل کسی است که بر نفس خویش هنگام خشم و... مالک باشد:  
 "العاقل من يملك نفسه اذا غضب و... " [ ۱۲ ].

### تأکید بر نتیجه کارکرد عقل

#### تحقق ایمان

در سوره انفال، بدترین جنندگان را از منظر الهی، افراد فاقد تعقل و کافر معرفی می کند:  
 "إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ" (انفال/ ۲۲)  
 "إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ" (انفال/ ۵۵)  
 لحاظ دو ایه شریفه نشان می دهد عدم تعقل منجر به عدم ایمان و رسوخ کفر می گردد:  
 (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۹: ۱۱۳).

#### تحقق ادب و خلق حسن

در سوره حجرات، اکثر بی ادبان ، فاقد تعقل به حساب آمده اند :  
 "إِنَّ الَّذِينَ ينادونك من وراء الحجرات أكثرهم لا يعقلون" (حجرات/ ۴)  
 آیه شریفه نشان می دهد : از آثار تعقل ، ظهور ادب مواجهه با بزرگان خصوصا علم و معنویت ،  
 و در رأس آن پیامبر اسلام(ص)، است [ ۲۵ ].

#### تحقق عمل صالح

در سوره ملک، دوزخیان علت جهنمی شدنشان را عدم پذیرش و عدم التزام به مقتضای شنیدن و  
 تعقل معرفی میکنند :

«وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک / ۱۰)  
 "نسمع"، تعقل با واسطه، و تعقل، تعقل بی واسطه است که اولی، شأن عموم و دومی، شأن  
 خواص است [۱۵].

سرنوشت جهنمی، نشان می دهد عدم تعقل در این آیه شریفه، علاوه بر عدم جریان تشخیص،  
 ترجیح و تصمیم صحیح، فقدان عمل صالح را نظر دارد؛ که در سوره بقره به آن تأکید دارد:  
 «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره/۴۴)  
 همه این موارد در روایات نیز مطرح شده است [۱۲]؛ به عنوان نمونه در بعضی از روایات، سیر  
 هر چه بیشتر در ژرفا و توجه هر چه بیشتر به دستاوردها و بازخورد دراز مدت اندیشه ها و  
 تصمیمات، از ملاک های اصلی برتری عقلانیت، تعریف شده است: "عقل النَّاسِ انظرهم فی  
 العواقب" [۱۲].

### ماهیت عقل فطری

در فرهنگ دینی، عقل فطری در کارکرد سالمش از چهار چیز نشأت گرفته است: علم، قدرت،  
 اراده، و نورانیت معنوی؛ از این رو قوام عقل، به علم است و سیر و سلوکش در عالم ملکوت و  
 معنویت است [۲۲].

این قوام علمی عقل و دوام نورانیت ملکوتی اش در ارتباط با خدا تحقق می پذیرد و هرگاه  
 ارتباطش با خدا قطع شود از نورانیت تهی می شود و به خدمت هوای نفس و شیاطین جن و انس  
 در می آید و در اینجا فرهنگ دینی، آن را عقل اسیر، نکراء، شیطنت و شبه عقل می نامد؛ معنایی  
 که در فرهنگ دنیا طلبان، سیاست مداری و کیاست تعبیر می شود؛ همچنان که در مورد امثال  
 معاویه و عمرو عاص، اینگونه تعبیرها، در نزد غافلان مطرح می شود [۲۲].

### رابطه تفکر و تعقل

از کارکرد تفکر که فرایند تلاش برای کشف راه های رسیدن به هدف است و از کارکرد عقل  
 که تشخیص و ترجیح و تصمیم است، معلوم می شود ارزش گذاری دستاورد فکر و داوری و  
 گزینش فکر احسن و یا اصلح و یا اولی از شئون عقل است.  
 پس فکر، همچون مشاور و مأمور کشف اطلاعات و ارائه دهنده راهکارهای حل مسائل در خدمت  
 مدیریت عقل است: «دلیل العقل التفکر و دلیل التفکر الصمت» [۲۰]  
 و مسائل منطقی یا در حوزه تصورات و تعریفات و یا در حوزه تصدیقات و قضایا جریان دارد.

### اولوالالباب، برترین مؤمن اندیشمند عاقل

در فرهنگ قرآن، برترین افراد مؤمن، با عنوان «اولوالالباب» توصیف شده اند:

«لُب» در لغت به «خالص هر چیز» می‌گویند. «اللُب» عقل، خالص از آغشتگی و آلودگی است... پس هر «لُبی»، «عقل» است ولی هر «عقلی» «لُب» نیست؛ «اولوالألباب»، به «افراد عاقل آزاده آزاد از بند شهوات و غرائز» اطلاق می‌شود [۱۱]

از جمله ویژگی «اولوالألباب»، «معرفت شهودی به حقائق قرآن» و «حقائق هستی» و «رسوخ در عرصه علم و معرفت» است.

در یک کلمه، قرآن کریم، آنان را «صاحبان حکمت الهی» معرفی می‌کند: «یوتی الحکمه من یشاء و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا و ما یذکر إلا اولوالألباب» (بقره/۲۶۹)

حکمت، موهبتی علمی معنوی و عملی است که جامعیت دنیوی آخروی در علم و عمل را در صاحبش نهادینه می‌کند. در فرهنگ دینی، مطلوب و گمشده مؤمن تلقی می‌شود که در هر کوی و برزن بدنبال آن دست از جستجو بر نمی‌دارد و هر جا اجزاء حکمت را یافت بی‌درنگ، آن را اخذ می‌کند اگرچه نزد منافق باشد: «الحکمه ضالۀ المؤمن فخذ الحکمه و لو من اهل النفاق» [۲].

بررسی قرآنی نشان می‌دهد عمیق‌ترین فهم و درک از حقایق دنیا و آخرت و ملک و ملکوت را «اولوالألباب» دارا هستند و به بیش از ۲۰ ویژگی علمی و عملی متصف‌اند (بقره/۱۷۹؛ آل عمران/۱۹۰، ۷-۱۹۱؛ یوسف/۱۱۱، رعد/۱۹-۲۲، ابراهیم/۵۲، ص/۲۹، زمر/۹، ۱۸، ۲۰، ...).

#### اهمیت تفکر ارزشمند

در منطق عجیب قرآن، تفکر سالم اساس دعوت انبیاء و تنها موضوع اساسی دیانت اسلامی است: «قل إنما أعظکم بواحدة أن تقوموا لله مثنی و فرادی ثم تفکروا...» (سبأ/۴۶)

این معنی، نظیر بیان اهمیت تعقل در سوره ملک است که عدم تعقل را مادر و منشأ عذاب دوزخ معرفی می‌کند: «وقالوا لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر؛ فاعترفوا بذنبهم فسحقا لأصحاب السعیر» (ملک/۱۰-۱۱)

تعبیر مفرد «بذنبهم» بجای جمع «بذنبهم» نشان می‌دهد عدم تعقل از نظر قرآن، گناه اساسی و منشأ گناهان دیگر است.

تعبیر «مثنی و فرادی» اشاره به این امر دارد که اندیشه و تفکر باید دور از غوغا و جنجال باشد؛ مردم به صورت تک‌نفری یا حداکثر دو نفر دو نفر قیام کنند... چراکه تفکر در میان جنجال و غوغاء عمیق نخواهد بود، به خصوص اینکه، عوامل خود خواهی و تعصب در راه دفاع از اعتقاد خود در حضور جمع بیشتر پیدا می‌شود [۲۵].

نکته دیگر آنکه، افکار فردی و جمعی باید با یکدیگر آمیخته شود؛ انسان، باید هم به تنهایی بیندیشد و هم از افکار دیگران بهره‌گیرد چراکه استبداد در فکر و رأی مایه تباهی است، هم-

فکری و تلاش برای حل مشکلات علمی به کمک یکدیگر، در آنجا که به جنجال و غوغاء نکشد مطمئناً اثر بهتری دارد و شاید به همین دلیل " مثنی " بر " فرادی " مقدم شده است [۲۵].

### مبانی تفکر ارزشمند

آیه زیر، مبانی تفکر ارزشمند را تذکر می دهد :

"قل إنما أعظكم بواحدة أن تقوموا لله مثنى و فرادی ثم تفکروا؛ ما بصاحبکم من جنه؛ إن هو إلا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید" (سبأ/۴۶)

"بگو صرفاً شما را به یک چیز سفارش می کنم : به اینکه به قصد قرب به خدا، دو تا دو تا و تک تک به پا خیزید؛ سپس بیندیشید؛ آیا هیچ جنون و اختلالی در هم صحبت دیرینتان(پیامبر خدا) هست؟؛ جز این نیست که او هشدار دهنده به شما در برابر عذاب الهی است".

### معرفت و ایمان به خدا

در آیه شریفه، پیش فرض اول تفکر ارزشمند و مطلوب را باور به خداوند معرفی می کند. در منطق قرآنی باور به خداوند و توحید، امری فطری و بی نیاز از استدلال عقلی است و استدلال بر آن از باب تنبیه و تذکر است؛ والا سرشت الهی انسان و نظام خلقت، بر آن شاهد است:

"أفی الله شک فاطر السموات والأرض" (ابراهیم/۱۰)

باور به خداوند تنها اساس و بنیاد سلامت روح و روان فرد و جامعه است:

"ألا بذکر الله تطمئن القلوب" (رعد/۲۸)

عدم ایمان به الله و یا ضعف ایمان و اعراض از یاد خدا، منشأ رنج و عذاب و تنگناها و گرفتاری‌های دائمی در دنیا و کوری و عذاب آخرت است:

" و من أعرض عن ذکری فإن له معیشتة ضنکاً و نحشیره یوم القیمه أعمی " (طه/۱۲۴)

### انگیزه الهی در تحقیق و پژوهش

قصد تقرب به سوی کمال مطلق خوبی‌ها و ارزش‌ها، موجب انگیزش دائمی تلاش و فعالیت انسان مؤمن است؛ در این راستا، إخلاص در نیت ، شرط اساسی تأثیر گذاری مفید بر شخصیت، اعمال و نتایج محسوب می‌شود از این رو ، منطق دینی ، صرفاً، دین خالص را مورد پذیرش خداوند معرفی می کند : "ألا لله الدین الخالص" (زمر/۳).

### دین خالص، سه جزء دارد :

- طلب رضای خدا: "و من أحسن دینا ممن اسلم وجهه لله..." (نساء/۱۲۵)
  - طرح و برنامه منطبق بر حکم عقل و شرع: "لقد أنزلنا إليكم كتابا فيه ذكركم أفلاتتعقلون" (أنبياء/۱۰)
  - عمل موافق برنامه مذکور و نیت الهی: "هذا كتاب أنزلناه مبارك فاتبعوه و اتقوا لعلكم ترحمون" (انعام/۱۵۵)
- تبعیت توأم با رعایت تقوای الهی، قصد قربت در ضمن عمل را تذکر می دهد.
- نیت در منابع دینی روح عمل تلقی می شود: "إنما الأعمال بالنیات" [۲۲]، و از سه جهت از عمل قوی تر است:
- ۱- خلوص بیشتر: "...و ذلك أن النية لا رياء فيها، و العمل يخالطه الرياء" [۴]،
  - ۲- پایداری بیشتر و ملازمت با وجود انسان: "أنها لا يفارقه عقله او نفسه، و الأعمال قد يفارقه قبل مفارقة العقل و النفس" [۲۲]،
  - ۳- گسترده تر از عمل: "نية المؤمن خير من عمله و ذلك لأنه ينوي من الخير ما لا يدركه؛ و نية الكافر شر من عمله، و ذلك لأن الكافر ينوي الشر و يأمل من الشر ما لا يدركه" [۲۲].
- از این رو در منطق دینی به جهت "خلوص، پایداری و گستردگی"، نیت مؤمن ارزش بیشتری از عمل او دارد؛ و بالعکس، نیت کافر، از عمل کافر بدتر است.
- نکته دیگر، آنکه با نیت خالص، کسب رضای خدا، علاوه بر پاداش معنوی و اخروی، بهره مادی و دنیوی هم در پیش است و لیکن با نیت مادی و صرف منفعت دنیوی، پاداش معنوی منتفی است: "إن الله تعالى يعطي الدنيا على نية الآخرة و أبي أن يعطي الآخرة على نية الدنيا" [۴].
- نکته سوم آنکه دستاورد پژوهشی با انگیزش صرف مادی، محدودتر از پژوهشی است که با نیت و انگیزه معنوی رضای خدا، شکل می گیرد؛ چرا که کفر و هوای نفس و دنیاگرایی، زنگارها و حجاب هایی بر فکر و عقل می کشند و در کار کرد آنها اختلال و محدودیت ایجاد می کنند و برعکس، حسن نیت موجب فزونی رزق معنوی و معرفتی خواهد بود و اساسا، توفیقات به میزان حسن نیت به دست می آید.
- علاوه بر آن مصونیت از خطا از دیگر از برکت های نیت خالص خواهد بود: "إذا علم الله تعالى حسن نية من أحد إكتنفه بالعصمة" [۲۲].

### تقدم حل مسائل بنیادین هویت بخش بر مسائل روبنایی دنیوی

- ارزشمندترین معرفت ها، علم به برنامه زندگی سالم منجر به سعادت ابدی و ارزشمندترین رفتار، عمل به این برنامه سعادت مندانه است.



● خلاصه این علم ، پاسخ به سه سؤال اساسی است که در کلام امیر مؤمنان (ع) به زیبایی و جامعیت ، منعکس است :

● "رحم الله امرأ أعد لنفسه واستعدّ لمرسه و علم من أين، و فی أين، و إلى أين؟" [ ۱۰ ]  
 ● "خدای رحمت کند کسی را که برای خویشتن توشه فراهم کند و برای رفتن به خانه قیر خویش و سرای آخرت ، مهیا باشد و بداند که از کجاست؟ در کجاست؟ و به سوی کجاست؟"  
 ● تعبیر "رحم الله" ، برخورداری از سعادت معنوی را برای عارف به مسائل هویت بخش، تذکر می دهد .

● از این رو در آیات ، موضوع تفکر، ابتدا ناظر به مسائل اساسی است؛ نخستین موضوع، نیاز به وحی و دین خدا از طریق نبوت است که آیه تفکر ، به عنوان اولین موضوع تفکر ، بدان تذکر می دهد که آیا این (پیامبر) هم سخن شما (که ادعای پیامبری دارد) هیچ نشانی از جنون دارد؟! ؛ حال آنکه او در برابر غذایی شدید ، نیست جز هشدار دهنده ای به صلاح شما :

● "... ثم تتفکروا ما بصاحبکم من جنّة إن هو إلا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید" (سبأ/۴۶)  
 ● ملاحظه می شود موضوع عواقب عملکرد غلط و آلوده نیز تذکر داده می شود؛ تعبیر استثناء ، تذکر به علم و آگاهی و دغدغه شدید پیامبر (ص) نسبت به سرنوشت شوم مخاطبین را به همراه دارد که حضرتش سرا پا اندیشناک و نگران احوال جامعه است و این معنی، حقانیت دعوت را برای مخاطب، با اندکی دقت نظر و تفکر پیرامون شخصیت پیامبر (ص) ، قابل درک می کند .

در آیات دیگر ، مسائل ذیل، موضوع اساسی تفکر معرفی شده است :

● جایگاه انسان در هستی : "سخر لکم ما فی السموات و الارض جمیعا منه ، إن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون" (جاثیه/۱۳)

● هدفمندی خلقت: "... و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما هذا باطلا " (ال عمران /۱۹۱)؛ "أولم یتفکروا فی أنفسهم ما خلق الله السموات والأرض و ما بینهما إلا بالحق و أجل مسمى... " (روم/۸).

● تبیین ماهیت دنیا و آخرت : " لعلکم تتفکرون فی الدنيا والآخرة... " (بقره/۲۱۹)

● پی جویی و عبرت از حوادث روزگار : " فاقصص القصص لعلهم یتفکرون " (اعراف/ ۱۷۶)

● دقت نظر در ظاهر و باطن طبیعت (ملک و ملکوت) و ماهیت مرگ و قرب آن :  
 "اولم ینظروا فی ملکوت السموات والارض و ما خلق الله من شیء و أن عسی أن یکون قد اقترب أجلهم " (اعراف/۱۸۵)

حل صحیح مسائل فوق ، موجب ثبات روحی و آرامش قلبی شخص دانش پژوه و طالب علم است و مبنایی استوار برای تفکر ارزشمند و خلاق خواهد بود .

### ارزشمندی موضوع تفکر

موضوع تفکر، وقتی ارزشمند است که ناظر به یکی از نیازهای اصیل انسان باشد؛ این نیازها در دو بعد مادی و معنوی مطرح می‌باشند. نیازهای مادی، شامل نیازهای جسمی (خوراک، پوشاک، مسکن، و...) و نیازهای روانی (امنیتی، عاطفی، جنسی و...) است. نیازهای معنوی شامل نیازهای معرفتی و ایمانی است.

دسته بندی و اولویت بندی نیازها و مسائل آنها و رعایت تعادل در تأمین نیازهای مادی و معنوی، از ضروریات تفکر ارزشمند محسوب می‌شود که طبعاً بر اساس حکم عقل و شرع، صورت می‌گیرد.

در منطق عقل و وحی، تأمین نیازهای زیستی اولیه، تغذیه حداقل و امنیت جانی، پایه تأمین نیازهای دیگر است: "...الذی أطمعهم بالجوع و آمنهم بالخوف..." (قریش/۳)

جهت گیری آخری در تأمین نیازها و عدم نسیان نیازهای دنیوی نیز از نکات اساسی است:

"و ابتغ فیما آتیک الله الدار الآخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا..." (قصص/۷۷)

ارزشمندی قاعده تفکر:

منطق رایج، دارای دو بخش است: بخش تعریفات و بخش تصدیقات.

بخش دوم، خود به دو قسم "صورت" و "ماده" تقسیم می‌شود.

در قسم اول، بحث از صور استدلال است که عبارت از چگونگی چینش مقدمات است به گونه ای که منجر به یقین شود. بخش اساسی این قسم به "قیاس" موسوم است.

در بخش دوم، بحث از مواد مقدمات است که ترتیب مواد، چینش و استدلال، متکی بر آنها است که مهم ترین آن، مواد برهانی است که مفید یقین است.

هر استنتاج علمی، ناگزیر از استدلال قیاسی است؛ هر استدلال قیاسی از دو مقدمه تشکیل می‌شود: "موضوع فکر" که صغرای قیاس و "قاعده فکر" که کبرای قیاس را تشکیل می‌دهد.

از آنجا که منطق، قواعد کلی اشکال استدلال صحیح را آموزش می‌دهد و ضرورت استفاده از قواعد معتبر در اندیشه و تفکر را تذکر می‌دهد، بایستی "قاعده فکر" در مسائل الهیات و علوم انسانی، حکم کلی یقینی و یا ظنی معتبری باشد که از قرآن و سنت معتبر و یا منبع معتبر عقلی در طول قرآن و سنت معتبر أخذ شده باشد و در علوم طبیعی، قواعد اساسی منطقی و ریاضی قواعد معتبر حاصل از حل مطلوب مسائل کاربردی و تجربی، مبتنی بر قواعد اساسی، مبنای استنتاجها خواهد بود.

سخن و قضاوت به علم و توقف هنگام عدم علم، دو نکته اساسی است که با شگفتی،

بعنوان حق الهی در این زمینه مطرح شده است! : حق الهی بر بندگان این است که بگویند آنچه

را می‌دانند و از قضاوت بایستند نسبت بدانچه نمی‌دانند [ ۲۰ ]:

"سألت ابا جعفر (ع): ما حق الله على العباد؟ قال: أن يقولوا ما يعلمون و يقفوا عند ما لا يعلمون"

حدیثی دیگر تذکر می دهد که خداوند در کتابش، بندگان را به دو ویژگی ملزم نموده است: اینکه سخنی نگویند مگر اینکه بدانند و رد نکنند آنچه را که نمی دانند [۲۰]:

"إن الله خص عباده بأيتين من كتابه: أن لا يقولوا حتى يعلموا ولا يردوا ما لم يعلموا، و قال عزو جل: ألم يؤخذ عليهم ميثاق الكتاب أن لا يقولوا على الله إلا الحق (اعراف/۱۶۹)، و قال: بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه و لما يأتهم تأويله (يونس/۴۰)

"سخن به علم" متکی بر پژوهش‌ها و مستندات علمی، بر خلاف مشهورات رایج در محیط های علمی و "توقف هنگام عدم علم" با وجود شهرت علمی امر مشکوک، امری بس دشوار و نیازمند سعه صدر و روحیه حقیقت جویی و فروتنی علمی است.

طبعاً تحقق این معنی، خود نیازمند تمرین آزاد اندیشی و اندیشه ورزی با مستند معتبر در نظام آموزشی از همان ابتدای تعلیم و تربیت است که لازمه آن وجود نظام آموزشی با کادر مدیریتی و آموزشی خلاق است و إلا با مدیریت و معلم فاقد تفکر خلاق، تحقق نوآوری و شکوفایی علمی آرزویی بیش نخواهد بود.

#### مشورت با اهل خبره

"مشورت" در لغت، استخراج شیره عسل است و در اصطلاح، استخراج رأی احسن از طریق مراجعه و گفتگوی با یکدیگر است [۱۱].

اصل مشورت، یک ضرورت عقلی و شرعی است تا بدانجا که یک سوره به این عنوان در قرآن آمده است و در آن امر مشورت را به عنوان شاخص برجسته و رایج جامعه اهل ایمان در تدبیر امورشان معرفی می کند: "و الذين استجابوا لربهم وأقاموا الصلوة و امرهم شوری بینهم و ممارزقناهم ینفقون" (شوری / ۳۸)

آیه شریفه، جامعه گوش به فرمان خدا را با سه ویژگی پایدارِ اقامه صلوة، مشورت و انفاق، توصیف می کند و نماز، نماد و محور حق الله، و انفاق، نماد و محور حق الناس است که کل دین را در بر می گیرند؛ از این رو در منطق قرآن، مشورت، راهکار شناخت و تحقق صحیح و احسن حق الله و حق الناس است.

در آیه دیگر، استماع نظرات و تبعیت از احسن اقوال را، ویژگی جامعه هدایت یافته الهی و جامعه عاقل رها شده از بند شهوات و غرائز، معرفی شده است:

"فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه، أولئك الذين هداهم الله و أولئك هم أولوا الألباب" (زمر/۱۸)

پس فقدان جریان مشورت، جامعه را در مسیر نافرمانی امر خدا و تضييع حق الله و حق الناس و در مسیر ضلالت و تبعیت از جهل و شهوت و هوای نفس، قرار می‌دهد. لازم به تذکر است که در منطق اسلام:

الف: در تشخیص موضوعات و امور عرفی، عقل اهل خبره راهگشا است و لیکن در امر احکام موضوعات الهیات و علوم انسانی، مرجع مشورت، صاحب نظران دینی متخصص [۲۵]، هستند.

ب: توجه به مستند رأی مشاوران، خصوصاً در احکام موضوعات، در اتخاذ نظر احسن، نقش مهمی ایفاء می‌کند ولیکن این امر در صلاحیت کسانی است که توان ارزیابی مستندات نظرات را دارا باشند و إلا در حوزه احکام، ضرورت تقلید از مرجع اعلم و در حوزه موضوعات، تبعیت از متخصص اعلم، مطرح می‌شود.

### بسترها و عوامل فردی خانوادگی تفکر خلاق

بسترها و عوامل تفکر خلاق در دوحوزه مدیریت خود و خانواده و مدیریت اجتماع و حکومت مطرح هستند:

وراثت پاک و سالم، تربیت منطقی، تلاش مستمر علمی، ایمان و تقوی، شب زنده داری، رسیدگی به احوال فقراء و محرومان، فراغت فکری و روانی از جمله بسترها و عوامل تفکر ارزشمند و خلاق فردی خانوادگی، به شمار می‌آیند که در ادامه به اختصار توضیح داده خواهند شد.

### وراثت پاک، سالم و معقول

ولادت مشروع از پدر و مادری سالم و عاقل، در منطق اسلام، از بسترهای طبیعی شکل‌گیری کودکی با شخصیتی مساعد، جهت تفکر ارزشمند و خلاق می‌باشد. به طور طبیعی، پیشنیاز این ولادت، شکل‌گیری خانواده، بر مبنای کفویت عقلانی زن و شوهر، و مشروعیت دینی ازدواج است.

توجه به امر تغذیه پاک و حلال پدر و مادر، بهداشت جسمی، روانی و معنوی امر زناشویی که در منطق دینی و دستاورد علمی مورد تأیید و تأکید است، نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت سالم و معنوی کودک ایفاء می‌کند.

کفویت عقلانی پدر و مادر و حداقل توانمندی آنان در تجزیه و تحلیل عقلانی مسائل نیز زمینه مهم دیگری در شکل‌گیری شخصیت عقلانی و پژوهشی کودک است؛ از این رو در حدیث تذکر می‌دهد اگر مادر فرزند و یا دایه اش دچار سفاهت و کم‌عقلی باشد، نایستی اجازه داد تا فرزند

را شیر دهد، چرا که شیردهی موجب سرایتِ شخصیتِ عقلانیِ مادر و دایه، به کودک خواهد شد: "لا تسترضعوا الحمقاء فإن اللبن يُعدی" [ ۶ ].

### تربیت نظری - کاربردی

تربیت ریشه دار، ترکیبی از تربیت منطقی، تجربی و الگویی است که حواس و قوای ادراکی از قبیل سمع و بصر و فکر و خیال و عواطف و عقل و قلب، همه در آن شرکت دارند. "سمع و بصر و فؤاد"، سه ابزار اساسی شناخت تجربی و استدلالی هستند. "فؤاد"، به معنی عقل و قلب است با این ویژگی که در معنی "فؤاد"، "جوشش و افروختگی" نهفته است که به قدرت تجزیه و تحلیل و نکته سنجی و ابتکار، نظر دارد [ ۲۵ ]: "الفؤاد كالقلب، لكن يقال له فؤاد، إذا اعتبر فيه معنى التفؤد ای التوقد" [ ۱۱ ].

### تربیت منطقی و عقلانی

بهره گیری از سه روش حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن، اساس آموزش و تربیت منطقی اسلامی، است:

"أدع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی أحسن..." (نحل/۱۲۵) "حکمت" دانش استدلالی برهانی عقلی - و حیانی است؛ "موعظه حسنه"، محتوای اثر بخش قلبی است که مبتنی بر منطق عقلی و حیانی است؛ "جدال احسن" پاسخ اقناعی به شبهات و ابهامات، عمدتاً مبتنی بر عقل و وحی و گاه مبتنی بر مسلمات ذهنی مخاطب است. میدان دادن به کنجکاوی های کودک و هدایت آن به سوی ضرورت های مادی و معنوی او و کمک به یافتن پاسخ سوالاتش، فراخور ظرفیت ذهنی و میزان علم به فرهنگ لغات، از طریق یافته های سابق و اطلاعات جدید، از نکات اساسی پرورش تفکر خلاق کودک در محیط خانواده، و مهد و آموزشگاه می باشد.

آموزش مبتنی بر طرح سوالات ناظر بر محتوای درس برای دانش آموزان و ایجاد انگیزش در میان آنها، برای یافتن پاسخ با استفاده از معلومات سابق و یا منابع خاص در کلاس و یا بعنوان تکلیف منزل به شکل گروهی و یا فردی و در نهایت جمع بندی نهایی پاسخ ها و رسیدن به جواب مطلوب و یا احسن با مشارکت کلاس، نکته دیگری است که از آیه تفکر (سبأ/۴۵)، به دست می آید.

این چنین طرح سؤال حساب شده و بجا (حُسن سؤال)، زمینه ساز تولید علم است که در روایات بدان ارزش نصف علم داده شده است: "حُسن السؤال نصف العلم" [ ۴ ].

در آیات دیگر، از جمله آیات خبری و تشویقی دعوت به تفکر، تعقل، تدبیر، نظر، و تذکر، خصوصاً توأم با لحن شبه توبیخی، ضرورت پرسشگری حساب شده و نظام یافته را در امر زندگی دنیا و آخرت، تذکر می دهد:

"أفلاتتفكرون..."(انعام/۵۰)

"أفلا تعقلون" (بقره/۴۴)

"أفلا يتدبرون القرآن... ( محمد/۲۴، نساء/۸۲)

"أفمن يخلق كمن لا يخلق أفلاتتذكرون" (نحل/۱۷)

"أإله مع الله قليلا ما تذكرون" (نمل/۶۲)

از نقشهای اساسی انبیاء، آزاد کردن و فعال نمودن عقول مدفون جامعه بشری در راستای حل مسائل مفید و ضروری فرد و جامعه، است: "... و یثیروا لهم دفائن العقول" [۲].

### تربیت تجربی و کاربردی

دعوت به سیر در طبیعت و تاریخ و دقت نظر در مطالعه آنها از ویژگی‌های تربیت قرآنی است که از دستاوردهای آن، پیدا کردن قلب فکور و عاقل و نکته سنجی و عبرت و درس آموزی از حوادث است:

"أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها أو آذان یسمعون بها فإنها لاتعمی ولكن

تعمی القلوب التی فی الصدور" (حج/۴۶)

"قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق... (عنکبوت/۲۰)

"لقد کان فی قصصهم عبرة لأولی الألباب" (یوسف/۱۱۱)

"وإن لکم فی الأنعام لعیبة" (نحل/۶۶، مؤمنون/۲۱)

"یقلب الله اللیل والنهار إن فی ذلک لعیبة لأولی الأبصار" (نور/۴۴)

"فانظر إلی آثار رحمۃ الله کیف یحی الأرض بعد موتها" (روم/۵۰)

"إن فی ذلک لعیبة لمن یشی" (نازعات/۲۶)

### تربیت الگویی

سیر در زندگی افراد متفکر و خلاق، رهنمودهای ملموس فراوانی را برای دانش پژوهان به ارمغان می آورد. در رأس این افراد، انبیاء (ع) و معصومین (ع) قرار دارند؛ چرا که از جامعیت وجودی تفکر منطقی و شهودی و عقل و عرفان در بالا ترین سطوح ممکن بر خوردار بودند؛ از این رو تا انبیاء به کمال عقل نمی رسیدند به مقام نبوت برگزیده نمی شدند:

"ولا بعث الله نبيا و لا رسولا حتى يستكمل عقله، و يكون عقله أفضل من جميع عقول أمته" [۲۰].

لذا اینان اولی‌ترین افراد در فعال کردن تفکر و تعقل بشری در بالاترین سطح ممکن هستند: "و یثیروا لهم دفائن العقول" [۲].

در حدیث نیز آمده است که با ظهور امام زمان و هدایت الهی او عقل بشر به کمال ممکن خویش می‌رسد:

"إذا قام قائمنا و وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم" [۲۰].

و در نتیجه، مجهولات علمی در نهایت دنیوی‌اش رمز گشایی می‌شود [۲۲].

پس معرفی شخصیت انبیاء و معصومین، خصوصا از جهت ویژگی منطقی و شهودی‌شان درس‌های فراوانی را برای رشد علم و معرفت و تفکر خلاق خواهد داشت. طبعاً، منبع ویژه آن سیره انبیاء(ع) و پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) در قرآن و احادیث است.

### تلاش مستمر علمی

سعی و تلاش وافر علمی، موجب باروری و رشد و نضج عقل فطری می‌شود؛ از این رو آگاهی حداقلی جامع در موضوع مورد پژوهش، شرط خلاقیت و نوآوری و شکوفایی خواهد بود:

"العقل غریزة یزید بالعلم و التجارب"  
"دراسة العلم لقاح المعرفة..." [۲۵].

جامعیت و نظام یافتگی (نگرش سیستمی) در مطالعات، بعلاوه مطالعات بین رشته‌ای مرتبط، سه نکته مهم در بستر سازی تفکر خلاق خواهد بود.

### صبر و استقامت

صبر در راه رضای خدا و بر پای داشتن نماز و انفاق، سه ویژگی بنیادین شخصیت اولوالألباب، عقلای آزاده آزاد از بند شهوات و غرائز، است:

"إنما یتذکر اولوالألباب ... والذین صبروا لبتغاء وجه ربهم و أقاموا الصلوة و أنفقوا مما رزقناهم سرا و علانیة... (رعد/۲۱)

در آیه یاد شده ۹ صفت از صفات اولوالألباب، مطرح شده است که ۶ ویژگی با فعل مضارع و ۳ ویژگی فوق با فعل ماضی آمده است که گویای بنیادی بودن این سه ویژگی است.

در بحث مشورت بیان شد که نماز و انفاق، نماد حق الله و حق الناس هستند از این رو صبر، ناظر به هر دو حوزه حق الله و حق الناس است.

با توجه به این امر، صبر در راه خدا، به معنی استقامت در اطاعت امر خدا در دو حوزه حق الله و حق الناس و ایستادگی در برابر سختی‌ها و ناملايمات روزگار و صبر بر مخالفت‌ها و مزاحمت‌های نفس اماره، جاهلان، غافلان و گمراهان آلوده است:

"الصبر ثلاثة: صبر عند المصيبة، و صبر على الطاعة، و صبر عن المعصية..." [۲۰]

پس صبر و استقامت و ایستادگی بر عوارض و پیامدهای پژوهش علمی، جلوه‌ای از اطاعت امر خدا و پایداری در ادای حق الله و حق الناس است.

### ایمان و تقوی

ایمان به ارزش‌های الهی و پرهیز از محرمت و رعایت اوامر الهی، بینش نافذی به مؤمن عطا می‌کند که حق را از باطل و خیر را از شر و صحیح را از خطاء تمییز می‌دهد (فرقان) و در معضلات و مشکلات، بن بست‌گشایی می‌کند و در پالایش روحی و اعتلای نفسانی پژوهشگر، نقش اساسی را ایفاء می‌کند [۱۵]:

"يا ايها الذين آمنوا إن تتقوا الله يجعل لكم فرقانا و يكفر عنكم سيئاتكم و يغفر لكم و الله ذو الفضل العظيم" (انفال/۲۹)

"و من يتق الله يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لا يحتسب" (طلاق/۲-۳)

### تأهل سالم

تشکیل خانواده و تأهل سالم، نقش حیاتی در آرامش روانی زن و مرد و تعادل شخصیتی آنان دارد؛ آرامش و تعادل شخصیتی، دو ویژگی بستر ساز تحقیق و پژوهش هستند؛ از این رو، قرآن کریم تذکر می‌دهد این اهل اندیشه و فرهیختگانند که به ارزشهای متعالی ازدواج در راستای فکر و اندیشه، واقفند و ضرورت حیاتی و آثار و برکات آن را در می‌یابند:

"ومن آياته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها و جعل بينكم مودة و رحمة إن في ذلك لآيات لقوم يتفكرون" (روم/۲۱)

در روایات نیز بر این نقش تعادل بخشی و آرامش روانی تأکید می‌شود به گونه‌ای که دو رکعت نماز متأهل را از ۷۰ رکعت نماز مجرد بالاتر می‌داند:

"رکعتان یصلی‌هما المتزوج أفضل من سبعین رکعة یصلی‌ها اعزب" [۲۰]



پس تأهل سالم، نقش حیاتی در بسترسازی نوآوری و شکوفایی و خلاقیت دارد که سیاست‌گذاری و برنامه ریزی اجرائی در این راستا، خود بحث مستقلی را می‌طلبد<sup>۱</sup>.

### فراغت فکری و روانی

طبیعت تفکر، نیازمند آرامش درونی و فراغت از دغدغه‌های پراکنده و گسیخته و نامنظم است؛ از این رو تمرکز بر موضوع و تأمل در آن در محیط سکوت و آرامش، شرط اول پیگیری و راهنمای حل مسئله است:

"دلیل العاقل التفکر، و دلیل التفکر الصمت" [۲۲]

در حدیثی دیگر، سکوت و خاموشی، موجب جوشش و نورانیت فکر و قلب و وفور جرقه‌های ذهنی معرفی شده است:

"إلزم الصمت یستنر فکرک" [۱۲]

"أكثر صمتك یتوفر فکرک، و یستنر قلبک... " [۱۲]

علاوه بر خلوت مناسب، زمان مناسب نیز در امر تفکر خلاق موضوعیت دارد که در محور بعد مورد بحث قرار می‌گیرد.

### استفاده از زمان مناسب، به ویژه شب زنده داری

در رهنمود الهی در قرآن، سه وقت ویژه برای تأملات فردی در اصلاح امر دنیا (با نیت وجوب کفایی) و در اصلاح امر آخرت (با نیت وجوب عینی) مطرح است:

• بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب

• بعد از عصر تا غروب آفتاب

• بعد از نیمه شب تا طلوع فجر

"واذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفه و دون الجهر بالغدو والأصال ولاتکن من الغافلین" (اعراف/۲۰۵)

"واصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل الغروب و من اللیل فسبحه و إدبار السجود" (ق/۳۹)

آیه اول، بر استفاده بهینه از وقت اول و دوم تأکید دارد و هشدار می‌دهد مبادا از این دو وقت غفلت شود.

<sup>۱</sup> در مقاله "چشم انداز و نهاد خانواده از دیدگاه اسلام" این نکات بررسی شده است: (نقی پورفر، کمال مدیریت ۶، ۱۳۸۳-۳۴)

آیه دوم ، با دعوت به صبر در برابر سخنان بیجا و آزار دهنده محیطی، استفاده از سه وقت را تذکر می دهد؛ نظیر این آیه در سوره (طه/۱۲۰) نیز مطرح است. هر حرکت فکری اصلاحی و تفکر خلاق، مستند به اجتهاد مشروع عقلی و دینی، معمولاً در ابتدا با مقاومت جامعه علمی و دینی مواجه می شود و أحياناً طعنه‌ها و سرزنش‌ها و بی حرمتی هایی را با خود به همراه دارد؛ دعوت به ذکر و عبادت و تسبیح الهی ، زمینه صبر و استقامت مناسب را فراهم می آورد تا مؤمن پژوهش‌گر از زخم زبان‌های جاهلان و حسودان نهراسد و در نتیجه صبر، توفیق الهی در عرصه پژوهش‌های مبارک در حوزه علم و دین نصیبش شود .

از سه وقت یادشده، شب زنده داری و استفاده بهینه از آن، مهم ترین وقت مبارک برای پژوهش و تغذیه معرفتی و معنوی است؛ از این رو، نور چشمی و پاداشی برای شب زنده داران مقدر شده است که از محاسبه و ارزیابی عقل حسابگر دنیوی ، خارج است :

"فلا تعلم نفس ما أخفی لهم من قرّة اعین جزاء بما كانوا يعملون" (سجده/۱۷)

دلیل ضرورت استفاده ویژه از اوقات نیمه‌های شب و سحرگاهان، نقش آفرینندگی و خلاقیت پرور شب در شکل گیری اندیشه های پایدارتر و تصمیم های قاطع و مستحکم و ریشه دارتر معرفی شده است :

"إن ناشئة الليل هي أشد وطأ و أقوم قیلا" (مزل/۴)

علاوه بر آن، ضرورت تلاش‌ها و امور اجرایی در روز و طبعاً عدم وجود فرصت‌های مناسب تفکر ارزشمند و خلاق، دلیل دیگر استفاده از شب می باشد :

"إن لك فی النهار سبحا طویلا" (مزل/۵)

ممکن است تصور شود ظهور آیات در زمینه اصلاح امر آخروی است و پژوهش‌های علوم دنیوی را در بر نمی‌گیرد؛ حال آنکه باید توجه داشت در منطق اسلام، اصلاح امور دنیا و بندگان خدا در راستای آخرت نیز امری آخروی است و در مسیر کسب رضای الهی به شمار می آید :

"إعمل لدنیاك كأنك تعیش أبدا و اعمل لآخرتك كأنك تموت غدا" (نوری، ۱/۱۴۶)

نکته اساسی، تعادل پژوهش‌های دنیوی و آخروی است که دارا بودن حداقل معرفت دینی ضروری و حفظ حداقل حیات معنوی دینی در شخصیت پژوهشگر مسلمان ، شرط پژوهش‌های علمی - دنیوی مرضی خدا است تا چه رسد به پژوهش‌های علمی - آخروی که طبعاً مورد تأکید است :

"و لو أن أهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الأرض و لکن کذبوا فأخذناهم بما كانوا یکسبون" ( اعراف/۹۶)

### رسیدگی به احوال فقراء و محرومان

در منطق اسلامی رسیدگی به احوال فقراء و محرومان، یکی از دو کلید اساسی اصلاح امور دنیا و آخرت است و کلید اساسی دیگر بر پای داشتن نماز می باشد که در جای جای قرآن کریم بر این دو تأکید دارد:

"هدی للمتقين الذين يؤمنون بالغيب و يقيمون الصلوة و مما رزقناهم ينفقون" (بقره/۲-۳)  
ملاحظه می شود: نتیجه تلبس به این دو تکلیف، در کنار ایمان، همان تقوای الهی است که خیر دنیا و آخرت را رقم می زند:

"و لو أن اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الأرض... " (اعراف/۹۶)

### جسارت فکری در خلاقیت و ابتکار

کشف حقیقت، نیاز فطری انسان است؛ کنجکاوی و جستجو گری، شنیدن و دیدن، تجزیه و تحلیل و ترکیب، ابزار کشف حقیقت است؛ لذا با سرشت انسان ملازم است:

"والله أخرجکم من بطون أمهاتکم لا تعلمون شیئا و جعل لکم السمع و الأبصار و الأفئدة لعکم تشکرون" (نحل/۷۸)

لازمه دیگر کشف حقیقت، پرسش گری و نقد عالمانه دلایل بینشها و گرایشها در امور دنیا و آخرت است؛ آن چنان که حق را ولو از اهل باطل باید اخذ کرد؛ حال آنکه باطل را از اهل حق نمی توان پذیرفت اگرچه به آیه قرآن بر اساس تفسیر به رأی آراسته باشد، همان گونه که حضرت عیسی (ع) بدان تذکر می دهد:

"خذوا الحق من أهل الباطل و لا تأخذوا الباطل من أهل الحق؛ کونوا نقاد الکلام، فکم من ضلالة زخرفت بأیه من کتاب الله کما زخرف الدرهم من نحاس بالفضة المموهه" [ ۲۲ ]  
نهراسیدن از پرسش گری در مورد عادتها و عقاید جزمی، طبیعت طالب حقیقت است و اساساً حیات معنوی انسان در گرو تلاش و سیر دائمی در مسیر علم و معرفت در بستر اتصال دائمی با منبع حقیقت، ذات لایزال الهی، است؛ از این رو قرآن کریم یکی از خصایص متعالی مشترک میان مردان و زنان مؤمن را سیاحت گری و جنب و جوش دائم در مسیر دانستن و یافتن حقایق، معرفی می کند:

"التائبون العابدون الحامدون السائحون الراجعون الساجدون الآمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله و بشر المؤمنین" (توبه / ۱۱۲)

"... مسلمات مؤمنات قانتات تائبات عابدات سائحات... " (تحریم/۵)

سیاحت، گشت و گذار دائمی است که سکون و توقف نمی شناسد؛ این واژه از کاربرد "ماء سائح" اخذ شده است که به آب همیشه روان پر جنب و خروش اطلاق می شود [ ۲۳، ۲۶ ]. از نظر مصطفوی، فکر و اندیشه و دقت نظر و داشتن برنامه حساب شده در مفهوم سیاحت نهفته است و

از این جهت از واژه‌های دیگر متمایز است گویی که جریان آب با تدبیر و نقشه معینی حرکت می‌کند [۲۳، ۲۶].

این جسارت در پژوهش و آزاد اندیشی، با رعایت اصول و قواعد پژوهش و مشاوره با اهل خبره، و عرضه اندیشه در محافل اهل علم و خرد و سعه صدر در شنیدن نقد مخالفین و پاسخ متین علمی و به کرسی نشاندن صحت نظر در صحنه اصلاح مشکلات نظری و عملی از خطرات انحراف و بدعت و گزافه‌گویی و خرافات مصون می‌ماند.

طبیعت کشف حقیقت، جرأت قدم گذاشتن در وادی‌های ناشناخته و جدا شدن از عادت‌های ریشه دار، ذهن و گرایش را می‌طلبد که از عهده وجودهای عاشق و آزاد از اسارت شهوت شکم و غرائز بر می‌آید و به سهولت رخ می‌دهد.

وجودهای جامع در این راه، در منطق قرآنی به "اولوا الألباب" موسومند که "آزاد اندیشی"، "عدم دلبستگی به دنیا" و "شرح صدر" سه ویژگی آنان در راه کشف حقیقت است که در سوره زمر آمده است که سر لوحه اش، اخلاص در دین است:

"فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولوا الألباب" (زمر/۱۸).

"ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء... ثم یهیج فتریه مصفرا قم یجعله حطاما، إن فی ذلک لذکرى لأولی الألباب (زمر/۲۱).

"أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربه..." (زمر/۲۲).

#### پیگیری حل مسئله در شرائط مختلف

تمرکز پژوهش بر موضوع و استمرار بر آن در شرایط و حالت‌های گوناگون، زمینه درگیری ضمیر انسان با موضوع را فراهم می‌کند. این درگیری باطنی با موضوع همچون قفل شدن موشک فکر برهدف حل مسئله است که در فرصت مناسب به هدف اصابت می‌کند اگرچه به ظاهر انسان هنگام جرقه زدن و کشف راه حل به امر دیگری اشتغال داشته باشد. بستر سازی فوق از رهنمودهای لقمان حکیم به فرزندش در مسیر علم و معرفت و تحقیق و پژوهش و مشورت می‌باشد:

"واجهد رأیک لهم إذ استشاروک، ثم لاتعزم حتی تثبت وتنظر، ولاتجب فی مشوره حتی تقوم فیها وتقع و تمام و تأکل وتصلی و أنت مستعمل فکرتک و حکمتک فی مشورتک ... [۷]."

"و نظرت را در نهایت سعی و تلاش، برای طالبان حل مسئله به کار انداز، آنگاه که از تو به مشورت نظر خواستند، سپس، تصمیم خویش را قطعی مکن مگر آنکه ثبات به خرج دهی و با

دقت بنگری، و در هیچ مشورتی پاسخ نده تا آنکه در آن بپاخیزی و بنشینی و بخوابی و بخوری و نماز گزاری، در حالی که فکر و حکمت خویش را پیرامون موضوع مشورت به کار گیرنده ای" ضرورت در گیرشدن با موضوع، در شرایط مختلف نفسانی، گویای آن است که نوع توجه و میزان توجه نفس به موضوعات در شرایط مختلف زمانی مکانی و نفسانی متفاوت است؛ از این رو ضرورت دارد پژوهشگر از حداکثر ظرفیت وجودی خویش برای حل مسئله با روش مواجهه دادن خویش با مسئله در شرایط گوناگون استفاده کند.

علاوه بر آن، حضور در صحنه و مواجهه از نزدیک با مشکل و مسئله و تجربه آن، نقش ویژه ای در انعکاس روانی مناسب از ابعاد مختلف موضوع و تأثیر گذاری آن در درک و حل صحیح مسئله دارد:

"لیس الخیر کالمعاینه" [ ۱۴ ].

طبعاً این جریان مطالعه موضوع در لحظات آرامش فکر و فراغت از هوسها و کششهای دنیوی بیشتر جلوه گر می شود. این معنی، اگرچه اغلب با خلوت و تنهایی و خروج از جمع همراه است، لیکن ممکن است در خلال فعالیتهای اجتماعی و نشست و برخاستها نیز صورت پذیرد. آنجا که امور روز مره به دیده عبرت نگریسته می شود و هر حرکت و سکونی با دقت مورد مطالعه قرار می گیرد.

#### نتیجه

"فکر" قوه در خدمت "عقل" است و "تفکر" فرایند پیشنهاد اهداف و راه های مختلف رسیدن به آن اهداف و ارائه آن به محضر عقل است و کار عقل (تعقل)، ارزیابی دستاورد فکر و گزینش طریق احسن رسیدن به هدف احسن است. تفکر و تعقل، اساس دیانت اسلامی است. در عین حال از مبانی استقرار و نهادینه شدن تفکر و تعقل، ایمان به خدا، قصد قربت، باور به دین خدا و آخرت، ارزشمندی موضوع وقاعده تفکر، و مشورت با اهل خیره است.

از بسترهای تفکر و تعقل خلاق، طهارت مولد، تربیت منطقی، تلاش مستمر علمی، تأهل، جسارت فکری، پیگیری موضوع در شرایط مختلف، صبر و استقامت، فراغت فکری و روانی، شب زنده داری، رسیدگی به احوال فقراء و نیازمندان است. در پایان محور های تحقیقی مرتبط با موضوع پیشنهاد می شود:

- سیستم های اجتماعی حکومتی بستر ساز تفکر خلاق :
- استقرار نظام شایسته سالاری مدیریت خلاق

- استقرار نظام تاهل و خانواده محوری
- *استقرار نظام تأمین اجتماعی حداقل سالم:*
- نظام معیشت
- نظام بهداشت و درمان
- نظام آموزش عمومی
- *استقرار نظام آموزشی خلاق و مبتکر:*
- نظام آموزشی هویت محور، شغل محور و علم محور
- نظام پشتیبانی و حمایت از پژوهش‌های علمی نیاز محور
- نظام کرسی‌های نظریه پردازی و نقد سازنده
- استقرار نظام رسانه ای مکمل و مروج تفکر خلاق
- استقرار نظام فناوری اطلاعات به روز، و متناسب نیاز جامعه
- *آفات و موانع تفکر خلاق:*
- الف- آفات درونی:
  - علمی معرفتی
  - خصلتی و اخلاقی
- ب- آفات محیطی:
  - نظام سیاسی استبدادی
  - نظام فرهنگی دنیا طلب
  - نظام اقتصادی سود محور
  - نظام اخلاقی شهوت محور
  - جریان و استقرار فقر و مسکنت در جامعه
  - از هم گسیختگی نظام خانواده

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. سید رضی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ ه.ق.)، «نهج البلاغه»، تحقیق صبحی الصالح، قم، چاپ اول.
۳. آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶ ه.ش.)، «غرر الحکم و درر الکلم»، قم، چاپ اول.
۴. بن حسام الدین هندی، علاء الدین علی المتقی (۱۴۰۹ ه.ق.)، «کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال»، مؤسسه الرساله، بیروت.
۵. بن فارس، احمد (۱۴۰۷ ه.ق.)، «معجم مقائیس اللغه بیروت»، مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ه.ق.)، «وسائل الشیعه الی تفصیل مسائل الشریعه»، تحقیق عبد الرحیم ربانی شیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ پنجم.
۷. حویزی، عبد علی بن جمعه (بی تا)، «نور الثقلین»، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، نشر علمیه، چاپ دوم.
۸. خمینی، روح الله (۱۳۸۲ ه.ش.)، «تفسیر و شواهد قرآنی در آثار امام خمینی»، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه عروسی (بی تا)، «نور الثقلین»، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، نشر علمیه، چاپ دوم.
۱۰. دیلمی، محمد بن حسن (۱۴۰۸ ه.ق.)، «اعلام الدین فی صفات المؤمنین»، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، چاپ دوم.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، «مفردات الفاظ القرآن»، تحقیق ندیم مرعشلی، المکتبه المرتضویه، قم.
۱۲. ری شهری، محمدی (۱۴۰۴ ه.ق.)، «میزان الحکمه»، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول.
۱۳. زمخشری، محمود بن عمر (بی تا)، «الکشاف عن حقائق غوامض التأویل»، نشر أدب الحوزه، قم.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ ه.ق.)، «من لایحضره الفقیه»، نشر جامعه المدرسین، قم، چاپ دوم.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۳ ه.ق.)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، نشر اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.
۱۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۶ ه.ق.)، «مجمع البیان لعلوم القرآن»، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۷. عسکری، ابوهلال حسن بن عبد الله (۱۳۵۳ ه.ش.)، «الفروق اللغویه»، مکتبه بصیرتی، قم.
۱۸. فخر رازی، فخرالدین محمد بن عمر (بی تا)، «التفسیر الکبیر»، نشر أدب الحوزه، قم، چاپ اول.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ه.ق.)، «العين»، ترتیب و تحقیق محمد حسن بکابی، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، چاپ اول.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ ه.ش.)، «الکافی»، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
۲۱. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۵ ه.ق.)، «کتاب الشهادات»، نشر سید الشهداء، قم، چاپ اول.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق.)، «بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار»، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

۲۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ ه.ش)، «التحقیق فی کلمات القرآن»، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، چاپ اول.
۲۴. مظفر، محمد رضا (۱۴۲۴ ه.ق.)، «المنطق»، تحقیق غلام رضا فیاضی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ سوم.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ ه.ش.)، «تفسیر نمونه»، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ هفدهم.
۲۶. النجار، محمد علی و همکاران (۱۹۸۹ م.)، «المعجم الوسیط»، دار الدعوة، استانبول، چاپ دوم.
۲۷. نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۳ ه.ش.)، «چشم انداز و نهاد خانواده»، فصلنامه کمال مدیریت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ش ۷۰.
۲۸. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ه.ق.)، «مستدرک الوسائل فی مستنبط المسائل»، مؤسسه البیت، قم، چاپ اول.

Archive of SID